



اگرچه عمق فعالیت‌های میریان پژوهشی و تربیتی در مدارس آن قدر زیاد بود که بعد از چند سال انحصار معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پژوهش، این وزارت خانه دوپاره این معاونت را خیلی کرد اما کتاب‌های زیادی درباره سیره و روشن این میریان در بازار کتاب موجود نیست. یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های دارد این زمینه کتاب «نهان برای لبخند» است که به تازگی از سوی انتشارات شهید‌کاظمی منتشر شده است. این کتاب که شرح زندگی جهادی و عروج عارفانه شهید علی خلیلی برادر آن منعکس کرده، اثر حجت‌الاسلام بهنام حشمت‌دار است. در این زمینه کتاب میریه هم از همین انتشارات، قابل تأمل است. چند کتاب دیگر از هم در لیست مقابله تان آورده‌اند و خواندن شان را توصیه می‌کنم.

خطوهای از ماووت

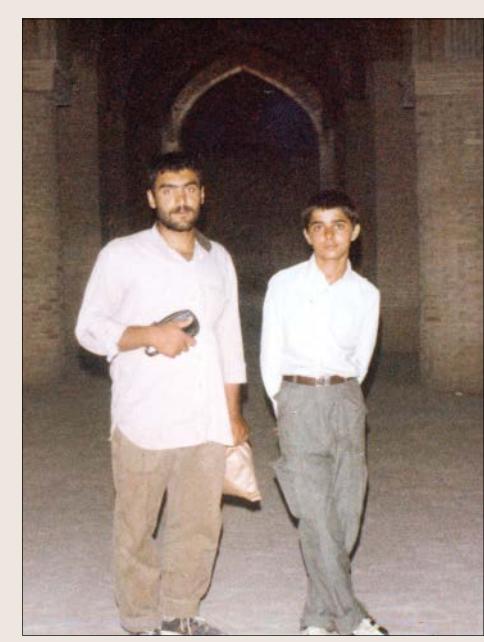
سال ۱۳۶۷ بود و ما در غرب کشور در منطقه عمومی ماووت عراق مستقر بودیم و فکر می‌کنم کشور عزیزمان قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته بود اما دشمن بعضی موقعیت را مغتصب شمرده بود و بی‌محابا برای یازپس‌گیری سرزمین‌های از دست داده، ایمان نیتواده شد بود، در شهر ماووت در حال پادشاهی بود.

ایله قارب بود با تمام قوا در مقابل نک احتمالی دشمن ایستادگی کنیم، به همین دلیل قرار شد گزدان صد در ارتفاعات پشت شهر ماووت سنگرهای را برای استقرار احداث کنند در صورت هجوم فرمانده گزدان مسلم حین آزادسازی قله ماووت کردستان آسمانی شد. این دو برادر از خانواده مواتق در حالی شهید شدند که یک برادر و دو خواهر داشتند. مادر خانواده هم سال ۱۳۶۵ قبل از شهادت محمود به رحمت خدا رفته بود. آنچه در ادامه می‌خوانید، خود را بیانی است از سیره تربیتی و اخلاقی شهید محمود مواتق که البته به حج نرفته بود!

عیاس کایا
فراناده گزدان
سیف‌ضدر

موافقت همگانی با «موافق»

پای روایت‌هایی کوتاه و خواندنی از شهید حاج محمود موافق نشستیم

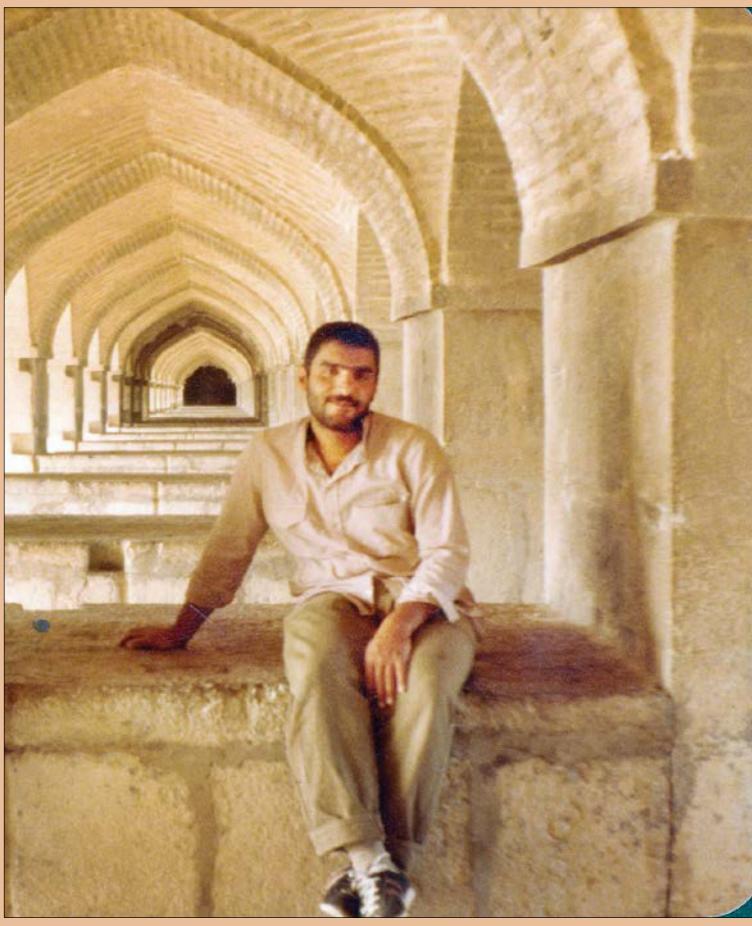


خواب محمود در جلسه خواستگاری!

«مادر ما زمزمه‌اش تعزیزی بود. مثلاً وقتی برادرانم محمود و محمد را روی پايش می‌خواباند و خواست لایی بگویند، تعزیزی می‌خواند. همینه از همان بیکی ما می‌گفت چون محمود عدید قربان به دنیا آمد، حاج محمود است. دیگر این عنوان حاج محمود روشن ماند و بعد از اتفاق، همه به او حکم محمود می‌گفتند. مادر و خواهاران خلیلی دوست داشتند و زدرا ازدواج کرد. برایش می‌رفتند خواستگاری و مدام می‌گفت کی در ماه صری کبید تا جنگ تمام شود. تعریف می‌کردند که در یکی از مجالس خواستگاری، محمود از خشگی پشت مادر خواش رفته بود! مادرم صدایش کرد و گفت محموداً پاشو، داریم صحبت می‌کنیم.

مادری که روحیه منداد

به نسبت سنش شاید از زمان ازدواجش هم گذشته بود. محمود برای خواستگاری طوری رفتار می‌کرد که هم رفته باشد و حرف مادر را گوش کرده باشد و هم قضیه به طور آبرومندانه سر نگیرد. می‌گفت اگر ازدواج کنم، دیگر آن طور آزاد نیستم که بتوانم کار بروشی کنم. با همان دیپایی‌های ساده راه‌هی اتفاق داشتند دست مادری بود که اتفاق مادری شاکی می‌شد... محمود تربیت شده دست مادری بود که کسک کرد. از فقار کرده بود. یارا و باها می‌گفت مادرم خلیلی به من رفته و مادرش تعریف کرد و می‌گفت مادرم خلیل جاها به من رفته شد. مادرش رفته بود! مادرم صدایش کرد و گفت محموداً پاشو، داریم شکلی شهید شد.



آقایی با گرمکن ورزشی قرمز

بود. در زمینه‌های علمی هم توانای بود. وقتی توانایی خودش را با معلم‌ها مطرح می‌کرد، آنها می‌فهمیدند فرد متفاوتی است. بعد از اتفاق، هنرستان «شهید» پایگاه خوبی برای رجه‌ها می‌باشد؛ البته به عنوان همراه و ظاهرک‌سی آن آن موقع هم ضد اتفاق و غریر کردن برخی مردم بود و ظاهرک‌سی آن روزها به سخن‌های اتفاق ناگفته توانی می‌کند و باعث تاراجی مادر شهید موافق و عامل حمله قلبی می‌شود. محمود هم بچه همین خانواده بود و زیر دست آنها تربیت شده بود. آنها هم فرزند خودشان را به نحوی به جامعه هدیه داده بودند.

ماجرای فوت مادر شهید موافق

آن موقع هم ضد اتفاق و غریر کردن برخی مردم بود و ظاهرک‌سی آن روزها به سخن‌های اتفاق ناگفته توانی می‌کند و باعث تاراجی مادر شهید موافق و عامل حمله قلبی می‌شود. محمود هم بچه همین خانواده بود و زیر دست آنها تربیت شده بود. آنها هم فرزند خودشان را به نحوی به جامعه هدیه داده بودند.

مستقیم نصیحت ننمی‌کرد

ما شاگردان شهید موافق غرب‌ها می‌ایستادیم و فوتبال بیزی می‌کردیم. شب‌های چهارشنبه‌ای را داشتیم و گاهی هم شب‌ها در مدرسه‌ی خوابیدیم. اصلاح‌کردیم. از نظر جذب افراد، فقط تیپ‌های خاص را جذب نمی‌کرد. حتی آدمی که مخالفین بود، جذب شهید موافق می‌شد. آنها که در این خط و ربط هابووندند، ضد او نمی‌شدند و شمع جمع بود. به جای نصیحت مستقیم، خودش عمل می‌کرد و به همین دلیل پچه‌ها خلیلی به او نزدیک می‌شدند.

امتل و اولویه ظهر جمعه

باید نمی‌آید حاج محمود اجازه داده باشد ما یک دعای کمبل را کامل خوانده باشیم. این برای تربیت طرف مقابل به او تحمیل کرد. ما باید داشت و می‌برد گمکران. می‌گفت سه شنبه‌ها برای گرفت و ما به ترمیمان جنوب و مهد از رنج خودش بخودش بخواهیم. زمستان‌ها مینی بوس می‌گرفت و ما به ترمیمان جنوب و همچنان خلیلی به نیاز گذشتی که داشت، اتفاقی می‌شد. ما هم که پیوی ناشیم و مهد از رنج خودش بخودش بخواهیم. این برای گرفت و ما به ترمیمان جنوب و همچنان خلیلی به نیاز گذشتی که داشت، روش‌هایی را که می‌گفت که آدم را مجذوب می‌کرد. در زمینه‌های آنی آمد خلیلی توانای شهید موافق مبدع روش خاصی در مریگری پژوهش بود. با ایثار و گذشتی که داشت، روش‌هایی را که می‌گفت که آدم را مجذوب می‌کرد. در زمینه‌های آنی آمد خلیلی توانای



باید بروم جبهه

شهید موافق از چهارمی‌ها که بزرگ‌تر و سال آخری بودند استفاده دادند آموزان پایه‌های پایین تر را برای تقویت درس برجه‌ها گردیدند. و چشم را کامل برای بجهه‌ها گذاشتند. با این که فاصله مکانی خانه‌شان در شهر و غرب و تهران زیاد بود اما عدمه و قشش در مدرسه بود و سعی می‌کرد کار بجهه‌ها باشد. از محیط برای تربیت کردن استفاده می‌کرد. از نماز جمعه که برجی گشتنی بجهه‌ها را فر برخی داشتند. این مخفیت پیدا می‌کرد. به من می‌گفت من باید بروم جبهه. وقتی من هستم، بجهه‌ها فکر می‌کند مانند شان عبیی ندارد. من باید بروم تا پچه‌هایی که می‌توانند و رفتان شان برای جبهه مفید است، بروم.

مارابرای جبهه‌آماده‌می‌کرد

حجاج محمود در بحث تربیتی در هنرستان «شهید» تمرین عملی را در ادوها به ما می‌داد که بدانیم در جامعه چلور زندگی کیم و خدمان هم برای جامعه چاده داشته باشیم. به مایاد می‌داد که بچه‌ها برای کشوارمان مفید باشیم و ملایا شان را به ما می‌داد. شهید موافق می‌گفت ادم در رایزی باشد. در معرض هوای سرمه‌دار دهد تا برای زمستان آماده شود.

۳	۶	۹	۲	۸	۵	۷	۱	۶
۶	۷	۵	۳	۴	۱	۲	۸	۹
۱	۲	۸	۶	۷	۹	۵	۴	۳
۷	۳	۶	۵	۲	۴	۱	۹	۸
۴	۸	۲	۹	۱	۷	۳	۶	۵
۵	۹	۱	۸	۳	۴	۲	۷	۶
۲	۶	۷	۴	۵	۸	۳	۱	۰
۶	۷	۴	۵	۸	۳	۰	۹	۸
۹	۵	۲	۱	۰	۷	۶	۳	۷

حل سودوکو ۴۳۰۵

سودوکو ۴۳۰۶

۱			۸			۵		
۹			۷			۲		
۸			۶			۳		
۱						۹		
۴						۸		
۹						۱		
۶						۷		
۳						۴		
۷						۵		

سودوکو ۴۳۰۷

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد. همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

۱			۴			۷		
۲			۳			۶		
۶			۱			۷		
۸			۵			۲		
۷			۴			۹		
۱			۳			۵		
۷			۶			۸		
۴			۷			۹		
۹			۲			۳		